

کاوشی کوتاه در معنای واژه "ارتا"

جمشید جمشیدی

مقدمه: این واژه "ارتا" و مشتقات آن بسیار کمیاب و نامأنوس بنظر می آید و شاید بدین سبب است که کم و زیاد معنای آن نیز ناشناخته باقی مانده است. در فرهنگ لغات بدنبالش گشتن هم فایده ای ندارد. حداقل می توان گفت در فرهنگ های لغت وطنی، چه فارسی بفرسی و چه انگلیسی به فارسی رد پای آن دیده نمی شود. در فرهنگ علوم انسانی نوشته داریوش آشوری واژه "arete" (ارته) دیده شد که به "فضیلت، گوهرمندی" معنا گردیده است. عین همین واژه را در فرهنگ واژگان انگلیسی به انگلیسی می توان جستجوی کرد.

Random House Webster's COLLEGE DICTIONARY:

1. a.re.te: the aggregate of qualities making up good character.
2. a.re'te: a sharp rugged mountain ridge produced by glaciation

اگر چه در فارسی تنها یک تلفظ برای واژه "ارته" می شناسیم، در انگلیسی همان گونه که مشاهده می شود با وجود نگارش یکسان به دو صورت تلفظ می شود و از دو معنای مجزا برخوردار است. معنای (a.re.te) تجمع کیفیت های انسانی که به او شخصیت نیک می بخشد. و این توصیف به احتمال بسیار مضمونی برابر با معنایی است که در فرهنگ علوم انسانی داریوش آشوری ارائه شده است. واژه "a.re'te" به کوه با قله تیغ مانند یخی معنا گردیده است.

نگر پژوهشگران: در دنباله به کاوشی کوتاه در معنای واژه "ارتا" و مشتقات این واژه می پردازیم و مکث مختصری هم در احتمال دوگانگی معنای "ارته" خواهیم داشت.

مهدی بهار در کتاب "جُستاری در فرهنگ ایران" واژه "ارته" (rta-) در ریگ ودای هندی را مترادف با "اشه" در اوستا دانسته و آن را به "راستی" معنا کرده است. دو قوم هندی و ایرانی را متعهد به این صفت اخلاقی دانسته است. و اهورا مزدا نگاهدارنده راستی، به راستی فرمانروایی می کند. مهدی بهار در پیوست با این واژه این گونه نگارش کرده است:

...نظام اخلاقی ارته (rta-) یا اشه (aša-) (راستی) به عنوان مظهر اخلاقی نه تنها در نزد این دو قوم بلکه در میان میتانیان نیز یافته میشود و این خود قدمت آن را اثبات می کند...

مهرداد بهار: جُستاری در فرهنگ ایران، صفحه ۲۴

مظهر و نماد اشه آتش است و آتشگاه جایگاه برخواندن و ستودن اهورامزدا است.

همانجا، صفحه ۲۶

مفصل ترین و جامع ترین توصیف را منوچهر جمالی در باره واژه "ارتا" و مشتقات آن بویژه واژه "ارته" ارائه داده است که شایسته تمرکز و یادگیری است.

گفت آوردی طولانی از منوچهر جمالی:

نام ارتا "اشون" (asha-van) است (مانند اردوان=ارته- وان). ارتا(ارته) همان "اشه" است. ارتا، تخم آتش یا آتش جان، تخم راستی است. آنچه در(چیتره) هست، در چهره و صورت یا پیدائی نیز

هست. از این رو معنای اصلی "اشه"، "درون نما=شفاف=صفا" است و این شفافیت است که به پاکی و مقدس بودن ترجمه میگردد. پاک، آنچیز است که نهانش، آشکار است. با نگاه در صورت و چهره اش، میتوان نهانش را دید. به عبارت دیگر در او "ریا" نیست. در او "خدعه و تزویر و مکر و زرق" نیست. این آتش جان است که در شعله شدن، خودش روشنی و گرمی میشود. در پهلوی، درست به این "اشون"، "اهرو = ahru" گویند که سپس "اهلوب" شده است. البته در زرتشتیگری، معنای اصلی "اشون" که نام "ارتا" هست معنای "پرهیزگار و عادل و مقدس" پیدا میکند که برای موء منین به آموزه زرتشت به کار برده میشود. اینکه "اشو" همان "ارته"، تخم آتش (آتش جان) هست، میتوان در واژه های "اشو" و "اشپو" ردپای آنرا یافت، چون "اشتو" به معنای انگشیت و زغال است و "اشپو" به معنای "زغالدان" است. درست این همین واژه اشو = اهرو = ahru که در عرف زرتشتی به موء من پرهیزگار و مقدس گفته میشود، بهترین گواه بر پیوند گسست ناپذیر "نیکی و راستی- اینهمانی نهان با آشکار" با "بلندی و صعود و علو هست، چون ahraamitan به معنای بلند کردن و صعود و بالا رفتن است. واژه مقدس- اشون، یا اشه را که اغلب روشنفکران با نفرت بدان می نگرند، واژه ایست که بنیاد فرهنگ سیاسی و اجتماعی و دینی و اخلاقی ایران بوده است، و به معنای "اینهمانی نهان با آشکار- راستی- حقیقت" میباشد. مقدس و پاک و صافی کسیست که آنچه در گوهر و نهانش هست، در اندیشه و گفتار و کردار و احساساتش، چهره آشکار پیدا میکند. خدای ایران، ارتا، پیکر یابی این اصل بزرگ اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و دینیست.

منوچهر جمالی: خرد، سرمایه فلسفی ایران- جلد هشتم- آفریدن ملت و حکومت بر شالوده "منش مردمی"- صفحه ۱۲۰-۱۱۹

همان گونه که از این گفت آورد آشکار می شود واژه "ارتا" مترادف با اشه، به معنای راستی، بلندی، حقیقت، عدالت است که نماد پاکی خدای ایران بوده است. یکی از بسیار نام های خدای ایران "ارتا" است. به عبارتی "ارتا" واژه ایست در مقابل ریا، دورویی و عدم صداقت. گفت آورد دیگری از جمالی:

"ارتا" یعنی حق و عدالت و نظم که از خرد بهمنی انسان ها پیدایش می یابد، همیشه از نو، از این خرد نهفته و دسترسی ناپذیر و تصرف ناپذیر از قدرتها در گوهر انسانها، سبز و تازه میشود.

همین ارتا هست که در داستان فریدون، و سرکشی در برابر ضحاک، صورت "کاوه"، به خود میگیرد، و کاوه نامیده میشود. کاوه همان ارتا هست که جامه خود را گردانیده، و در اینجا، چهره سرکشی خرد انسان را در برابر حکومتهای بیداد به خود گرفته است...

منوچهر جمالی: خرد، سرمایه فلسفی ایران- "جلد سوم"-- خرد- شهرساز، و شهر آراست - جمهوری ایرانی، صفحه ۱۱۴

جالب این است که تنها خدا "ارتا" نیست هر انسانی که از صفات پسندیده خدائی، راستی، پاکی، عدالت، برخوردار باشد نام "ارتا" بر او زینده است. شخصیت های استوره ای ایران باستان از جمله جمشید، کاوه، فریدون، ایرج، فرانک و غیره ارتائی (اشه) شمرده می شوند. ارتا فرورد نام روز نوزدهم از هر ماه است.

جمالی خدای بزرگ ایران باستان را مرغ انتزاعی سیمرغ می داند. یکی از نام های سیمرغ

همین "ارتا" است. به سیمرخ "ارتا فرورد" هم می گوید. "فرا + وَرَد" به معنای "ورتن = وردن = گرد-یدن" است و بیان همین "دیگر گشتن" است. "ارتا" که تخم و "آتش جان" و بیخ زندگی هر انسانیت، اصل دگردیس شونده، فرارونده، پیش رونده، پیوسته تازنده و تازه شونده هست.

(منوچهر جمالی: همانجا- صفحه ۱۵-۱۶)

گفت آورد دیگری از جمالی:

اردبیهشت که ارتا واهیشست باشد، و خوارزمیان آنرا "اردوشت" و اهل فارس آنرا "ارداخوشت" مینامیده اند (آثار الباقیه)، در فرهنگ نخستین ایران، بن مینوان، یا به عبارت دیگر "مینوی مینوان" بوده است و در اینجا با بهمن، این همانی می یابد. بهمن و ارتا، دو چهره یک اصلند. بخوبی میتوان دید که بهمن = ارتا، بن تخم انسان بوده است.

منوچهر جمالی: شهر خرد بجای شهر ایمان، صفحه ۱۴۶

اردوشت یا ارداخوشت به معنای ارتای خوشه دانسته شده است و اشاره به خدای (سیمرخ) خوشه است که نماد اجتماع و گنجینه تمام تخم ها یا بن انسان هاست.

جمالی واژه ارتا را ریشه واژه انگلیسی "آرتری" (artery) به معنای شریان یا رگ قرمز خون می داند.

... ارتا واهیشست که اهل فارس آنرا "ارتاخوشت = ارتای خوشه" مینامیدند، و ... در بندهش برابر با (رگی و پی) نهاده میشود. بهرام، پی و سیمرخ (ارتا فرورد) رگ است. پس ارتا، اینهمانی با رگها در تن انسان دارند. اهل سجستان بقول ابوریحان، به اردبیهشت، راهو، یعنی "رگ" میگفتند. و "راگا" که شهر "ری" باشد، نام این خدا را داشته است.

منوچهر جمالی: سکولاریته یا نوزائی فرهنگ زرخدانی ایران-جلد دوم "سکولاریته در فرهنگ ایران"- صفحه

۶۷

رگ نماد اتصال و پیوند خدا با هستی گذاشته شده است. راه و رود هم استعاره ای متناسب با پیوند و اتصال است و ارتا هم با راه و هم با رود این همانی دارد.

واژه های "ارتا"، "ارته"، "ارد"، "اردا"، "رته"، "ارتری" از ریشه مشترک برخوردارند، و به معنای یکسان مورد استفاده قرار می گیرند. رد پای آن ها در ایران حاضر در نام های متفاوت قابل پی گیری است. نام شهرها که با "ارد" آغاز می شود از جمله، اردبیل، اردکان، اردهال و غیره. نام هائی از جمله ارتا، اردشیر، اردلان، اردوان برای اشخاص استفاده می شود.

واژه "ارته" در ادبیات و فرهنگ یونان باستان هم دیده می شود. با گفت آوردی از تارنمای زیر:

<http://en.wikipedia.org/wiki/Arête>

معنای ارته- (arete) در یونان باستان: پاکدامنی (virtue)، فضیلت، توانائی، خودنمائی نیروی بالقوه، عدالت، هر آن چه فرد از درون خود به نمایش می گذارد:

"ارته" در اثر جاویدان هومر، ادیسه به شخص شجاع اتلاق شده است. همسر ادیسه پنه

لوپ (Penelope) هم "ارته" شناخته می شود زیرا تحمل بیست ساله او در دوری از شوهر خود که به جنگ تروا رفته بود قابل ستایش قلمداد می شود. با این وجود هومر در اشعار خود "ارته" را معادل موثر بودن کرده بود. موثر بودن هدف است، شجاعت، توانائی، حتا حيله و فریب هم اگر تاثیر داشته باشد باز "ارته" بود. "ارته" در فرهنگ یونانی معنای دانش هم داشته است. پاکدامنی دانش است، دانش پاکدامنی است.

"ارته" به عنوان ایزد بانو خواهر هارمونیا (Harmonia) دختر ایزد بانوی عدالت، پراکسیدیک (Praxidike) بوده است.

در داستان سفرهای پر مخاطره ادیسه هم "ارته" (arete) همسر قهرمان دیگری به نام آلسینوس (Alcinoüs) است که از شوهر خود با هوش ترست و تصمیمات را او می گیرد.

Edith Hamilton, Mythology. Little, Brown and Company, New York. Boston, 1969-P302

در فرهنگ ایران باستان نمونه "ارته" دیگری وجود دارد که در نظر اول با "ارته" و "ارتا"ئی که شرحش رفت متفاوت است. بد نیست برای لحظه ای در باره این "ارته" تفحص کنیم و این تفاوت را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.



سرزمین باستانی آرته: در عصر باستان، حدود پنج هزار سال پیش در جیرفت تمدن کهنی به نام *آرتیه* وجود داشته است که اخیراً با اکتشافات باستان شناسی در منطقه آثار هنری و فرهنگی بسیار با شکوه و ارزشمندی متعلق به ایت سرزمین بدست آمده است. با وجود اطلاعات بسیار ناچیزی که از این خطه حکمرانی در دست است در متون تمدن های میان رودان شرحی در باره "ارته" و رابطه آن با سومری های وقت حکایت شده است. کوه های زاگروس تحت حکمرانی "ارته" قرار داشته است. چون از این کوه های سخت عبور سنگ های لاجورد (Lazula Lapis) درخشانی استخراج می شده است بسیار مورد توجه و چشمداشت سومری ها در میان رودان بوده است. بارها و بارها سومری ها با ترفندهای بسیار قصد غصب این کوه و سنگ های لاجوردی آن را کرده اند. آن ها می خواستند از این سنگ ها قصری برای خدای خود *بینانا* در شهر اورک (در عراق امروز) بسازند. مرغ آنزو در این کوه آشیانه داشته و از آن حفظت می کرده است. *ارته* مقهور ترفندهای سومری ها نمی شود.

تندیس های مرغ و پرنده بسیار در جیرفت اکتشاف شده است که حکایت بر وجود باورهای وسیع مرغی و بال و پرواز در میان اقوام این خطه دارد. مرغ آنزو تداعی گر سیمرغ است که در قلعه دماوند آشیانه داشت و زال پدر رستم را با شیر خود تغذیه کرد و پرورش داد.

بنظر می آید کهن ترین نمونه "ارته" همین تمدن جیرفت باشد که هم کوه های صعب العبور زاگروس آن نمادین است و هم مرغ آنزوی آن که حافظ این کوه و سنگ های قیمتی لاجوردیش. این که کاربرد واژه "ارته" ریشه در وجود کوه دارد یا تقدس مرغ آنزو، و شاید هم هر دو نماد، مبحث پیچیده ایست که قضاوت در باره زمینه زبان شناسی و بعد فرهنگی آن از توانائی نگارنده خارج است. بدون شک برای روشن شدن این مبحث پیچیده باید منتظر اکتشافات و پژوهش های ژرف در آینده باشیم.

مراجع:

۱. داریوش آشوری: فرهنگ علوم انسانی- انگلیسی بفارسی- چاپ سوم، ۲۰۰۲

2. Random House Webster's COLLEGE DICTIONARY

۳. مهرداد بهار: جستاری در فرهنگ ایران

۴. منوچهر جمالی: خرد، سرمایه فلسفی ایران- جلد هشتم- آفریدن ملت و حکومت بر شالوده "منش مردمی"

۵. منوچهر جمالی: خرد، سرمایه فلسفی ایران- "جلد سوم"-- خرد- شهرساز، و شهر آراست - جمهوری ایرانی

۶. منوچهر جمال: شهر خرد بجای شهر ایمان

۷. منوچهر جمالی: سکولاریته یا نوزائی فرهنگ زرخدائی ایران- جلد دوم "سکولاریته در فرهنگ ایران

8. <http://en.wikipedia.org/wiki/Arête>

9. Edith Hamilton, Mythology. Little, Brown and Company, New York. Boston, 1969-P302

10. 岡田明子・小林澄志子：シュメル神話の世界、中公新書、1977